

روایت برساخته‌ی جامعه‌ی ایران در گفت‌وگوهای رمان‌های نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰

حامد نوروزی^۱

کلثوم قربانی جویباری^۲

افسانه یعقوبی گزیک^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۰

DOI: 10.22080/RJLS.2023.26218.1440

چکیده

نگارش رمان‌های اجتماعی واقع‌گرا در ایران از دوران مشروطه و پس از آشنایی نویسندگان ایرانی با آثار غربی آغاز شد. از این دوره، نویسندگان رمان‌های واقع‌گرا، به روایت واقعیت‌های اجتماعی در رمان‌های خود پرداختند. در این مقاله، نگارندگان، روایت چهار نویسنده‌ی واقع‌گرا از واقعیت‌های اجتماعی دهه‌ی هفتاد و هشتاد خورشیدی را بررسی خواهند نمود. در این دوران، روند تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار شدید است و معضلات اجتماعی جدیدی نیز در حال سر برآوردن است؛ داده‌های پژوهش از چهار رمان واقع‌گرای اجتماعی که در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰ منتشر شده‌اند، استخراج و تحلیل خواهند شد: «عادت می‌کنیم» (پیرزاد، ۱۳۸۳)، «پرنده‌ی من» (وفی، ۱۳۸۱)، «استخوان خوک» و «دست‌های جذامی» (مستور، ۱۳۸۳) و «ویران می‌آیی» (سناپور، ۱۳۸۰). در این مقاله سؤالی‌های محوری حول واقعیت‌های اجتماعی و عوامل موثر بر برساخت آن‌ها در رمان و در نهایت شکل‌گیری روایت برساخته‌ی جامعه‌ی ایران در این دهه طراحی شده است. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از مبانی نظری دو حوزه‌ی اندیشگانی بهره برده‌ایم: نخست: نگرش معرفت‌شناختی به واقعیت اجتماعی در مکتب برساخت‌گرایی و دوم: نگرش جامعه‌شناختی به واقعیت و تقسیم آن به واقعیت‌های عینی و ذهنی. پس از تحلیل داده‌ها این نتایج در پیکره‌ی مورد بررسی به دست آمد: میزان توجه نویسندگان به برساخت روایت در ساحت‌های چهارگانه اجتماع به شرح زیر است: واقعیت‌های اجتماعی با اختلاف بسیار، بیش از ساحت‌های دیگر مورد توجه نویسندگان بوده است. در مرتبه‌ی دوم، ساحت اقتصادی قرار دارد که از نظر بسامد واقعیت‌های برساخته، اندکی بیش از واقعیت‌های فرهنگی دیده می‌شود. در هیچ یک از آثار مورد بررسی روایتی از ساحت سیاسی برساخته نشده، به جز رمان «ویران می‌آیی» از سناپور. در ساحت اجتماعی، بیشترین توجه نویسندگان به برساخت واقعیت‌ها در موضوع ازدواج و طلاق بوده است. در مرتبه بعد روایت‌های برساخته در مسائل فرهنگی که شامل خرافات، آداب دینی و آداب و رسوم عامه و

hd_noruzi@birjand.ac.ir

kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

afsane.yaghoobi73@birjand.ac.ir

^۱ دانشجویار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

^۲ دانشجویار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

^۳ کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

... بوده، قرار می‌گیرد. مسائل جنسی از قبیل روسپیگری و تجاوز در مقایسه با واقعیت‌های دیگر، بازتاب کمتری در رمان‌ها داشته است. از سوی دیگر توجه اغلب نویسندگان به برساخت پدیده‌های عینی بوده است. به طوری که از بین ۳۹۵ واقعیت اجتماعی برساخته، تنها ۴۰ واقعیت، ذهنی و مابقی آن عینی بوده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان به برساخت واقعیت‌هایی است که آشکارا در سطح عینی جامعه قابل مشاهده است، بدون نیاز به تفسیر و تعبیرهای ذهنی از یک سو و اولویت برساخت واقعیت‌های بیرونی و جمعی نسبت به واقعیت‌های ذهنی که بیشتر جنبه‌ی فردی و درونی دارد.

کلیدواژه‌ها: رمان واقع‌گرا، روایت، برساخت‌گرایی، واقعیت اجتماعی.

۱- مقدمه

نوشتن رمان‌های واقع‌گرا در ادبیات فارسی با انقلاب مشروطه آغاز شد. از سال ۱۳۰۰ شمسی رمان‌های فارسی، رویکردی اجتماعی به خود گرفتند و رمان‌نویسی با دگرگونی‌های اجتماعی به سمت واقعیت‌های اجتماعی جامعه سوق پیدا کرد. رمان واقع‌گرا، اغلب به بیان معضلات و مشکلات اجتماعی می‌پردازد و از همین روی در رمان واقع‌گرای فارسی نیز شاهد بیان معضلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستیم. در اولین رمان‌هایی که از سال ۱۳۰۰ نوشته شده است، ما شاهد بازتاب واقعیت‌هایی همچون فحشا، فساد سیاسی و اداری، ناامنی‌های اجتماعی سال‌های پس از مشروطیت و یأس عمومی ناشی از شکست در انقلاب مشروطه هستیم. (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۰)؛ در رمان‌های اجتماعی بعدی نیز واقعیت‌هایی از همین دست و نیز گونه‌های دیگری از وقایع اجتماعی بازتاب یافته و روایت شده است. هرچه نویسندگان رمان‌ها به مکتب ادبی واقع‌گرایی نزدیک‌تر بوده باشند، واقعیت‌های اجتماعی رخ داده در ساحت‌های مختلف جامعه در آثار آنان بازتاب بیشتری یافته و تأثیر بیشتری بر جای گذاشته است.

یکی از ادوار تاریخی ایران معاصر که شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن به دلیل تغییر در رویکردهای سیاسی حاکمیت و دگرگونی سبک زندگی مردم با ادوار تاریخی دیگر متفاوت بود و این تحولات، تأثیرات چشم‌گیر و بازتاب گسترده‌ای در ادبیات واقع‌گرای ایران داشت، دهه‌ی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ خورشیدی بود. این دو دهه یکی از پرتلاطم‌ترین و مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران معاصر است. در این دوران که به دوران سازندگی (دهه ۷۰) و اصلاحات (دهه ۸۰) مشهور است، روند تغییرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار شدید و جامعه در حال پوست‌اندازی است. به تبع آن، مشکلات و معضلات اجتماعی جدیدی نیز در جامعه ایران در حال رخ دادن و سر برآوردن است؛ به ویژه این شرایط در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰ به اوج خود می‌رسد. از یک‌سو نتایج جراحی‌های اقتصادی دوران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی دوران اول اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۰) به وضوح آشکار شده و از سوی دیگر مردم به دلایل متعدد، از جمله عملی نشدن بسیاری از شعارهای تبلیغاتی، دچار سرخوردگی

سیاسی و اجتماعی شده‌اند. آثار این تحولات و دگرگونی‌ها را می‌توان در همه‌ساحت‌های جامعه‌ی آن روزگار به وضوح مشاهده کرد؛ از متن جامعه و کوچه و خیابان گرفته تا آثار و تولیدات هنری این دوران مانند فیلم‌های سینمایی، هنرهای تجسمی و آثار گرافیکی. هرچه این آثار هنری واقع‌گرایانه‌تر خلق شده باشند، تأثیر بیشتری از شرایط پذیرفته‌اند. یکی از حوزه‌های هنری که از شرایط دوران مذکور تأثیر شدیدی پذیرفته، ادبیات و بویژه نوع ادبی رمان واقع‌گراست.

۱-۱- بیان مسأله

در این پژوهش، نگارندگان برآنند که تصویر برساخته‌ی جامعه‌ی ایران را در آینه‌ی واقعیت‌های اجتماعی روایت‌شده در رمان‌های آن روزگار بررسی کنند. داده‌های پژوهش از چهار رمان واقع‌گرای اجتماعی که در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰ منتشر شده‌اند، استخراج و تحلیل خواهند شد: «عادت می‌کنیم» (پیرزاد، ۱۳۸۳) که تقابل سه نسل از زنان را به تصویر می‌کشد؛ «پرنده‌ی من» (وفی، ۱۳۸۱) که تناقضات اجتماع در دل زندگی زنانه را روایت می‌کند؛ «استخوان خوک و دست‌های جذامی» (مستور، ۱۳۸۳) که در آن به تضاد و تقابل سنت و تجدد و تعارض‌ها و مشکلات اجتماعی چند نسل در یک منطقه مسکونی می‌پردازد؛ «ویران می‌آیی» (سناپور، ۱۳۸۰) که در قالب روایت عشق دو انسان، گوشه‌ای از سیاست‌ها و مصائب و گرفتاری‌های اجتماعی این دوران را نقد می‌کند. همه‌ی این رمان‌ها بین سال‌های ۸۰ تا ۸۵ منتشر شده‌اند، اما زمان روایت آن‌ها مربوط به دهه‌ی قبل است.

در برخی از این رمان‌ها وقایع سیاسی و در برخی وقایع انسانی با ابعاد روانشناختی یا جامعه‌شناختی برجسته می‌نماید. با توجه به تاریخ و فرهنگ‌های خاص، برداشت‌ها از واقعیت، متکثر است. اما هیچ معیاری وجود ندارد که تعیین کند کدام برداشت نسبت به برداشت‌های دیگر معتبرتر است. (شیخه و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۸)؛ شاید بتوان گفت دیدگاه هر نویسنده، مانند پالایه‌ای عمل می‌کند که تصویر جامعه از آن می‌گذرد و سپس در رمان بازتاب می‌یابد. بدین ترتیب تصویری از یک جامعه شکل می‌گیرد که از یک سو برآمده از تجربیات زیستی و اندیشگانی نویسنده از آن جامعه است و از سوی دیگر بیان‌کننده‌ی دیدگاه‌ها و تصورات نویسنده درباره‌ی همان جامعه. اما مسأله‌ی اصلی و محوری که پژوهش حاضر بر اساس آن شکل گرفته، این است که کدام واقعیت‌های اجتماعی از این پالایه گذشته، در آینه‌ی رمان بازتاب می‌یابد و برساخته می‌شود؟ چه عواملی در کیفیت و کمیت بازتاب و برساخت وقایع اجتماعی در یک بازه‌ی زمانی مشخص یا یک دوره‌ی خاص، تأثیرگذار است؟ اما پیش از همه اینها دو پرسش بنیادین که باید به آن‌ها پرداخت: نخست اینکه واقعیت، به طور کلی، و واقعیت اجتماعی، به طور خاص، چیست؟ دو دیگر آنکه گرچه بسیاری از رمان‌ها واقع‌گرا هستند، اما آیا می‌توان واقعیات بازتاب‌یافته در این رمان‌ها را واقعیت‌های جامعه دانست؟ به دیگر سخن، نسبت میان واقعیات در جهان خارج و در جهان

رمان به صورت کلی و به صورت خاص در رمان‌های مذکور چیست؟ با هدف پاسخ مصداقی به پرسش‌های فوق در این مقاله به صورت موردی پرسش‌های زیر در مورد رمان‌های پیش‌گفته مطرح می‌شود.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

__ در آثار مورد پژوهش، بر کدام واقعیت‌های اجتماعی تأکید بیشتری شده است؟
__ این واقعیت‌های اجتماعی، در کدام یک از ساحت‌های جامعه وقوع می‌یابد؟
__ عواملی مانند جنسیت نویسندگان، چه تأثیری بر بازتاب واقعیت‌های اجتماعی در آثار آنان داشته است؟

__ نویسندگان در بازتاب و برساخت وقایع اجتماعی بیشتر به واقعیت‌های عینی جامعه توجه داشته‌اند یا به واقعیت‌های ذهنی خود؟

۱-۳- روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته، در این پژوهش از مبانی نظری دو حوزه‌ی اندیشگانی بهره می‌بریم: نخست: نگرش معرفت‌شناختی به واقعیت اجتماعی در مکتب برساخت‌گرایی و دوم: نگرش جامعه‌شناختی به واقعیت و تقسیم آن به واقعیت‌های عینی و ذهنی. داده‌های مورد پژوهش از چهار رمان واقع‌گرای اجتماعی، استخراج و تحلیل خواهند شد: «عادت می‌کنیم» (پیرزاد، ۱۳۸۳)، «پرنده‌ی من» (وفی، ۱۳۸۱)، «استخوان خوک و دست‌های جذامی» (مستور، ۱۳۸۳)، «ویران می‌آیی» (سناپور، ۱۳۸۰). از این نویسندگان، دو نویسنده مرد و دو نویسنده زن هستند. برای یافتن پاسخ پرسش‌ها نخست تعریف نسبتاً روشن و جامعی از واقعیت‌های اجتماعی، انواع آن، ساحت‌های جامعه و واقعیت‌های عینی و ذهنی ارائه خواهد شد. گرچه نمی‌توان تمامی مصداق‌های واقعیت‌های اجتماعی را مشخص نمود، اما حوزه و ساحت کلی هر کدام نیز تعیین خواهد شد و در نهایت این واقعیت‌ها از رمان‌ها استخراج و برای مقایسه‌ی بهتر، بسامد وقوع هر یک در رمان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون پژوهش مستقلی با موضوع این مقاله منتشر نشده است؛ اما برخی از پژوهش‌های نسبتاً مرتبط با آن عبارتند از: طاهری (۱۳۹۷) که در آن به مقایسه شخصیت‌پردازی در رمان «جزیره سرگردانی» سیمین دانشور و «پرنده من» فریبا وفی پرداخته است؛ چراغی (۱۳۸۵) که به بررسی و تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار زویا پیرزاد و منیره روانی‌پور پرداخته است؛ هادوی (۱۳۸۹) که در آن به بازتاب واقعیت در داستان‌های صادق هدایت و بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسانی مانند مارکس، انگلس، لوکاک و گلدمن پرداخته و بر تأثیر ارزش‌های اجتماعی جامعه و تحولات سیاسی بر شکل‌گیری انگیزه‌ی نویسنده تأکید دارد؛ گلبازخانی (۱۳۹۱) که در آن به نقد جامعه‌شناختی آثار مصطفی مستور و پیوند

ادبیات و جامعه‌شناسی می‌پردازد و بر تفاوت طبقات اجتماعی و تأثیر گفتمان فرهنگی و دینی بر شخصیت‌های داستان‌های مستور تأکید دارد؛ آزاد ارمکی (۱۳۹۱) که در خصوص دهه ۷۰ و ۸۰ مقاله‌ای با موضوع تبارشناسی پوشش زنان و بازتاب آن در رسانه‌های این دهه به نگارش درآورده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

از آنجا که در مقاله حاضر به بررسی «واقعیت‌های اجتماعی در روایت برساخته» خواهیم پرداخت، لازم است در ابتدا مفاهیمی مانند واقعیت اجتماعی و نسبت آن با ادبیات، انواع روایت و در نهایت روایت برساخته را تعریف و تبیین نماییم.

۲-۱- رمان واقع‌گرا و واقعیت‌های اجتماعی

رمان واقع‌گرا، یکی از مهم‌ترین انواع ادبی است که به جای تکیه بر تخیل صرف، بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت‌های اجتماعی است. ویلیام هزلیت؛ منتقد و نویسنده‌ی انگلیسی قرن نوزدهم، رمان را داستانی می‌داند که «بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از آدمی نوشته شده است و به نحوی از انحا تصویر جامعه را در خود منعکس می‌کند.» (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۱۸)؛ در واقع «رمان، دربرگیرنده‌ی حقیقت و واقعیتی است که به اصطلاح، مافوق داستان است. یعنی حقیقت و واقعیتی کاملاً متمایز و فراتر از دنیای داستانی که رمان در آن ارائه می‌شود.» (زرافا،^۱ ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛ حتی منتقدانی که عنصر خیال را در رمان برجسته می‌کنند نیز روایت‌های تخیلی آن را در زنجیره‌ی حوادث معمولی در فضای جامعه‌ی جدید معتبر می‌دانند. (آلوت^۲، ۱۳۸۰: ۵۱)؛ این رویکرد از نیمه دوم قرن هفدهم که جهان‌بینی انسان دچار تحولات عمده‌ای شد، شکل گرفت. از این دوران، رمان در جریان این تحولات اندیشگانی، عمیقاً دگرگون و متوجه واقعیت‌های جامعه و هستی شد. بدین ترتیب مکتبی با عنوان رئالیسم یا واقع‌گرایی شکل گرفت تا مغایرتی که بین هنر و واقعیت وجود داشت، برداشته شود. (شکری، ۱۳۸۶: ۲۷۷)؛ شامفلوری^۳، منتشرکننده‌ی بیانیه‌ی رئالیسم، به تمام نویسندگانی که تا آن زمان وجود داشتند این نقد را وارد دانست که نسبت به واقعیات زندگی بی‌اعتنا بوده‌اند و خود را تسلیم تخیلاتی بی‌پایان و بی‌پایه و اساس کرده‌اند. (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۴)؛ رئالیسم که برای نخستین بار در حوزه‌ی فلسفه مطرح شد، در معنای اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها به کار رفته است. (ولک^۴، ۱۳۷۷: ج ۱/۱/۴). اما آیا واقعاً هر آنچه در رمان یا هر نوع هنر دیگری رخ می‌دهد، با واقعیت در جهان خارج انطباق دارد؟ در یک رویکرد، زبان به مثابه‌ی آینه‌ای است که واقعیت را بازتاب می‌دهد. (شیخه و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۳)؛ اما از دیدگاه برساخت‌گرایی^۵

1. Zeraffa

2. Allott

3. Champfleury (۱۸۸۹-۱۸۲۱)

4. Wellek

5. social constructionism



حقیقت وجود دارد؛ اما نه حقیقت مطلق؛ بلکه حقیقتی که محصول زندگی جمعی یک گروه معین است.
(گرگن^۱ و گرگن، ۱۳۹۴: ۱۰)

۲-۲- واقعیت اجتماعی و واقعیت برساخته

استوارت هال^۲ بازنمایی واقعیت را در سه رهیافت خلاصه می‌کند: ۱- بازتابی: معنا در جهان خارج وجود دارد و زبان همانند آینه‌ای آن را بازتاب می‌دهد؛ ۲- تعمّدی: مؤلف است که معنای منحصر به فرد خود را از طریق زبان تحمیل می‌کند و واژه‌ها همان معنای مورد نظر نویسنده را می‌دهد؛ ۳- برساخت‌گرا: جهان خارج و کاربران زبان هیچ‌یک به تنهایی معنا را تثبیت نمی‌کنند. (هال، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۹)؛ به طور معمول وقتی از برساخت چیزی سخن می‌گوییم به این معناست که آن چیز را نمی‌توان صرفاً «یافت» یا «کشف» کرد؛ بلکه آن امری «ساخته شده» است. (شیخه و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۱)؛ پس ما از طریق فرایندهای شناخت خود این جهان را می‌سازیم. (هنیس و دیگران، ۲۰۱۵: ۶۱). این دیدگاه، آشکارا در تقابل با استعاره سنتی «نظریه‌ی تصویری زبان^۳» یا «آینه» است که در آن فرض می‌شود که ذهن دقیقاً انعکاس دهنده‌ی جهان واقع است. (گرگن، ۱۹۹۹ به نقل از شیخه و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۶)؛ برساخت‌گرایی تحت تأثیر اندیشمندانی چون ویگوتسکی^۴ و ویتگنشتاین^۵ این دیدگاه را به چالش کشیده است. در این دیدگاه، تأکید بر این است که برساخت‌ها هرچقدر هم واقعی و قابل باور باشند، هرگز عیناً دنیای واقعی را به تصویر نمی‌کشند. (برانستون و استافورد، ۲۰۰۳: ۹)؛ بلکه محصول و برساخته‌ی فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است. (بهرامی، ۱۳۸۸: ۵۵)؛ اما باید توجه داشت که رابطه‌ی فرد و جامعه دو سویه است. بنابراین همه‌ی آثار هنری هم ساختار اجتماعی به شمار می‌روند و هم ساختار سیاسی. (جیمز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴)؛ در نظریه‌ی برساخت‌گرایی پدیده‌های زبانی دیگر تصویرگر واقعیت نیستند؛ بلکه سازنده‌ی واقعیت هستند. از این تغییر کارکرد زبان با عنوان «چرخش زبانی^۶» یاد می‌شود. مهم‌ترین عامل برساخت واقعیت، روایت است.

۲-۳- واقعیت برساخته و روایت

گلدمن در کتاب خود راه‌های جهان‌سازی در فصلی با عنوان «ساختن واقعیات»، در این باره چنین می‌نویسد: «ما جهان را با پروراندن روایت‌ها برمی‌سازیم». در نظر گودمن، «روایت^۷» در عمل عبارت است از مجموعه توصیفاتی که از جهان در معنای وسیع کلمه به دست داده می‌شود. (بوغوسیان، ۱۳۹۵:

1. Gergen

2. Stuart Hall (1932-2014)

3. The picture theory of language

4. Lev Vygotsky (1896-1934)

5. Ludwig Josef Johann Wittgenstein (1889-1951)

6. Linguistic turn

7. Narrative



(۴۸)؛ هر روایتی، بازنمایی موقعیت و رخدادی واقعی یا ساختگی در یک توالی زمانی ویژه است. (پرنس^۱، ۱۹۸۲: ۱۹۷)؛ هنر نیز واقعیت اجتماعی را منعکس نمی‌کند؛ بلکه واقعیت‌های اجتماعی را در قالب ساختارهای روایی آن‌ها بر ساخته و عرضه می‌کند. (امیری، ۱۳۹۶: ۱۰۱)؛ روایت در رشته‌های مختلفی نظیر زیباشناسی، تاریخ، روان‌شناسی و انسان‌شناسی کاربرد دارد. (لوینگستون^۲، ۲۰۰۵: ۳۵۹)؛ «روایت در اصل بازنمایی یک رخداد یا سلسله‌ای از رخدادهاست». (پورتر^۳، ۲۰۰۲: ۱۲)؛ روایت یک تجربه‌ی زیستی، همان تجربه نیست، بلکه مدیاست که درک و فهم ما را از تجربه‌ی زیستی برمی‌سازد. (Huisman, 2005: 16). «تمایز بین رویداد و روایت تمایزی است بین آنچه در جهان خارج روی داده و شیوه روایت آن». (Walsh, 2001: 592)؛ از نظر برساخت‌گرایان، واقعیت، توسط روایت-های زبانی ما انسان‌ها از آن ساخته می‌شود. (برگر و لوکمان، ۱۹۶۶ به نقل از شیخه و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۶)؛ این نگاه تا حدی پیش می‌رود که بسیاری از جامعه‌شناسان، مقوله‌هایی مانند جنسیت، نژاد، طبقه و غیره را اصولاً مقوله‌هایی در جهان خارج نمی‌دانند؛ بلکه این‌ها را مقوله‌هایی به شمار می‌آورند که به طور اجتماعی برساخته شده‌اند. (بر، ۱۳۹۴: ۲۲). بنابر آنچه گفته شد پرسش بعدی این است که بر اساس برساخت‌گرایی، مصداق‌های واقعیت‌های اجتماعی چه هستند و چه انواعی دارند؟

۲-۴- انواع واقعیت اجتماعی در روایت برساخته‌ی رمان‌ها

با وجود اهمیت واقعیت‌های اجتماعی هنوز تعریف مشترکی از آن در گفتمان‌های مختلف، وجود ندارد. برای مثال واقعیت اجتماعی از نظر شوتس به دو گونه‌ی «واقعیت بلاواسطه» و «واقعیت قطعی» قابل مشاهده است. (تنهایی، ۱۳۹۳: ۲۳۵)؛ از سوی دیگر، واقعیت اجتماعی در راستای آنچه در بخش قبل گفته شد و با تأکید بر میزان نقش دو عامل جهان خارج و ذهن کنشگر، در تعریف و مصادیق واقعیت اجتماعی از هم متمایز می‌شوند. (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۷)؛ در این مقاله واقعیت‌های اجتماعی به عینگرا، ذهنگرا و بینابین تقسیم می‌شود. در عینی‌گرایی بر عینی‌بودن واقعیت اجتماعی تأکید کرده و تأثیر ذهنیت کنش‌گران را در شکل‌گیری واقعیت، نادیده می‌گیرد. (ریترز، ۱۳۷۳: ۵۱۹)؛ نظریه‌های ذهن‌گرایانه در کل مکتب تفهیمی-تفسیری را در جامعه‌شناسی شکل می‌دهند و ساختارهای عینی را کاملاً نادیده می‌گیرند. (همان)؛ از منظر ذهن‌گرایان، واقعیت تنها در ذهن افراد وجود دارد (افروغ، ۱۳۷۹: ۱۱). نظریه‌های بینابین (تلفیق ذهن و عین) که به آرای پدیدارشناسی برگر^۴ و لاکمن^۵ نزدیک است، خصیصه‌ی دوگانه‌ی جامعه، یعنی؛ امکانات عینی و معانی ذهنی را به هم متصل می‌نماید. (آرون، ۱۳۷۷:

1. Prince

2. Livingston

3. Porter

4 Peter Ludwig Berger (1929)

5 Thomas Luckmann (1927)

(۳۷۳)؛ بوردیو^۱ نیز به رابطه‌ی دیالکتیک میان ساختار عینی و ذهنی توجه دارد: ساختارهای عینی از یک طرف اساس کنشگران را شکل می‌دهند و از طرف دیگر ذهنیات، کنش‌ها و تعامل با آنهاست که ساختارها را شکل می‌دهد و حفظ می‌کند. (ریترز، ۱۳۷۳: ۵۱۹)؛ بدین ترتیب آشکار است که این رویکرد در تناظر با برساخت‌گرایی قرار می‌گیرد. بنابر آنچه تا کنون گفته شد، واقعیت اجتماعی در این مقاله بر اساس دو رویکرد شناخته می‌شود: ۱- واقعیت اجتماعی بازنمایانده شده در رمان‌ها، برساخته است؛ ۲- واقعیت‌های اجتماعی، تلفیقی از واقعیت‌های عینی و ذهنی هستند.

۲-۵- انواع وقایع اجتماعی

هر اتفاقاتی که در یک جامعه رخ می‌دهد و هر پدیده‌ای که در یک اجتماع مشاهده می‌شود، یک واقعیت اجتماعی است. واقعیت‌های اجتماعی در یکی از ساحت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه رخ می‌دهند یا مشاهده می‌شوند. واقعیت‌های اجتماعی رخ داده در حوزه‌ی سیاست بسیار متعدد و گسترده هستند؛ از جمله انتخابات، جناح‌گرایی، جنبش‌های دانشجویی، اعتراضات سیاسی، جنبش‌های مدنی، اعتصابات و جز آن. (برای پدیده‌های سیاسی ر.ک.: هرسیج و حسینی، ۱۳۸۸: ۳۶۴ و نبی زاده موحد خامنه، ۱۳۸۰: ۳۶-۴۰ و افشار کهن: ۱۳۹۰: ۲۹۷-۳۰۰)

پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، پدیده‌هایی را شامل می‌شود که یک انسان در گروه‌های اجتماعی تجربه می‌کند. برخی از پدیده‌های فرهنگی عبارتند از: آداب و رسوم، رسوم اجتماعی، رسوم سنتی، رسوم اخلاقی، آداب اجتماعی، آموزش و پرورش، ارزش‌ها و هنجارها (میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۹۳)، آثار هنری و ادبی، باورهای دینی، خرافات (صفایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۷)، فضای مجازی و اینترنت، آپارتمان‌نشینی، مسائل مربوط به خانواده از جمله ازدواج و طلاق (مشکلات خانوادگی) (مصلحتی، ۱۳۸۳: ص ۴۲ و موسوی چلک سلطانی، ۱۳۸۴: ۶-۷)، اعتیاد، شغل، بیکاری (سعیدی نیا، ۱۳۸۲: ۴۱)، بزهکاری و ارتکاب جرم، بی‌بند و باری و بی‌مبالاتی‌های جنسی (امیراحمدی، نیک‌پور، ۱۳۶۹: ۵۰)، تجاوز، تمایز نسلی (میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۶۷)، خودکشی، روسپیگری و فحشا (رسول‌زاده‌ی طباطبایی، اللهیاری کامرانی فکور، ۱۳۸۱: ۱۶۴)، مهاجرت (میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۲)؛ و جز آن. جامعه‌شناسی اقتصادی، اطلاعات لازم را درباره‌ی محیط فعالیت اقتصادی به دست می‌دهد و می‌کوشد تا روشن کند قوانین مختلف اقتصادی در چه شرایط تاریخی و ساختاری به مرحله‌ی اجرا درمی‌آید. (عثمانی، ۱۳۹۱: ۹۴)؛ برخی از پدیده‌های اقتصادی جامعه‌ی ایران عبارتند از: تجمل‌گرایی، فقر و اختلاف طبقاتی (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۰۰ و حق‌جو، ۱۳۸۱: ۸۱)، تورم و گرانی، نظام کوپنی / کالاگرایی / یارانه‌ای و مواردی از این دست.

¹ Pierre Bourdieu (1930-2002)



واقعیت‌های اجتماعی در هر جامعه، تابعی است از شرایط آن جامعه در دوره‌ی تاریخی مشخص که در ساحت‌های پیش‌گفته رخ می‌دهند یا مشاهده می‌شوند. در این پژوهش، دوره‌ی تاریخی مورد بررسی دهه‌ی ۷۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۸۰ ایران است. در دهه ۷۰ فرایند مدرنیته ایرانی بعد از انقلاب و تحولات ناشی از آن، آغاز شد. در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ جبران خسارت‌های جنگ و پیشرفت کشور، سبب طرح ایده‌ی توسعه و تعدیل اقتصادی کشور شد. اجرای این سیاست‌ها، ایران را به تدریج به مسیر اقتصاد سرمایه‌داری در دهه ۷۰ رهنمون شد. هم‌زمان با افزایش درآمدهای نفتی، دولت، سیاست درهای باز اقتصادی را به اجرا در آورد که در اثر آن حجم واردات کالاهای خارجی به سرعت افزایش یافت و الگویی از توسعه شکل گرفت؛ واردات کالاهای مصرفی، فرهنگ مردم جامعه را به سمت مصرف‌گرایی سوق دادند. مردم جوایای دموکراسی به شیوه‌ی غربی شده بودند تا بتوانند آزادانه بپوشند و مصرف کنند. از سوی دیگر، جنبش‌های اجتماعی مختلفی مانند جنبش‌های فمینیستی هم در جامعه سربرآوردند. در کنار موارد بالا، پای شبکه‌های ماهواره‌ای و بعدها اینترنت نیز به خانواده‌های ایرانی باز شد. رمان‌های مورد بررسی این پژوهش در چنین شرایطی نوشته شدند و روایت‌های آن‌ها، بازتاب‌دهنده و برساختی‌ست از واقعیت‌های اجتماعی در یکی از ساحت‌های چهارگانه‌ی پیش‌گفته. در بخش بعدی به تحلیل داده‌های این رمان‌ها در چارچوب مبانی نظری مذکور خواهیم پرداخت.

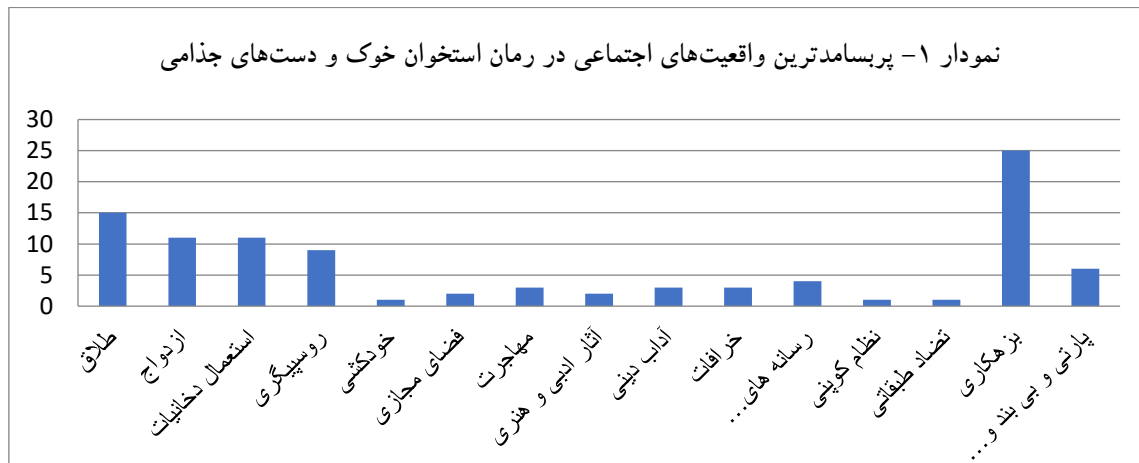
۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش واقعیت‌های اجتماعی برساخته در روایت رمان‌های پیش‌گفته را که در یکی از ساحت‌های بالا رخ داده یا مشاهده می‌شود، به صورت آماری بررسی خواهیم نمود. مبنای این بررسی آماری از یک سو کلید واژه‌های مرتبط با هر واقعیت اجتماعی (رمزگان آن واقعیت) و از سوی دیگر کاربرد آن در یک رویداد، تصویر، کنش و به صورت کلی با توجه به تأثیر آن روند روایت بوده است. به دیگر سخن، اگر واقعیت اجتماعی تأثیری در فرایند روایت اصلی یا روایت‌های فرعی نداشته، در زمره‌ی واقعیت‌های اجتماعی به شمار نیامده است. برای بررسی دقیق و شامل‌تر، از بیان مصداق‌های ریز و موردی پرهیز شده و مصداق‌ها زیر یک عنوان کلی آورده شده‌اند؛ برای مثال انواع جرائم اجتماعی مانند سرقت، قاچاق، فحاشی و جز آن ذیل بزهکار آورده شده است. بدین منظور در ابتدا مهم‌ترین و پربسامدترین واقعیت‌های بازتاب‌یافته و برساخته در هر رمان به صورت مجزا بررسی و سپس مجموع این آمارها در کنار هم قیاس خواهد شد. در نهایت سعی خواهیم نمود روایت برساخته‌ی این رمان‌ها از جامعه‌ی ایران در دوران مورد بررسی را به تصویر کشیده، دورنمای کلی این جامعه را در آن گونه که در رمان‌ها برساخته شده، توصیف نماییم.

۳-۱- استخوان‌های خوک و دستان جزامی

در نمودار زیر مطابق روش پیش‌گفته مهم‌ترین و پربسامدترین واقعیت‌های اجتماعی را در رمان

«استخوان‌های خوک...» بررسی کرده‌ایم:



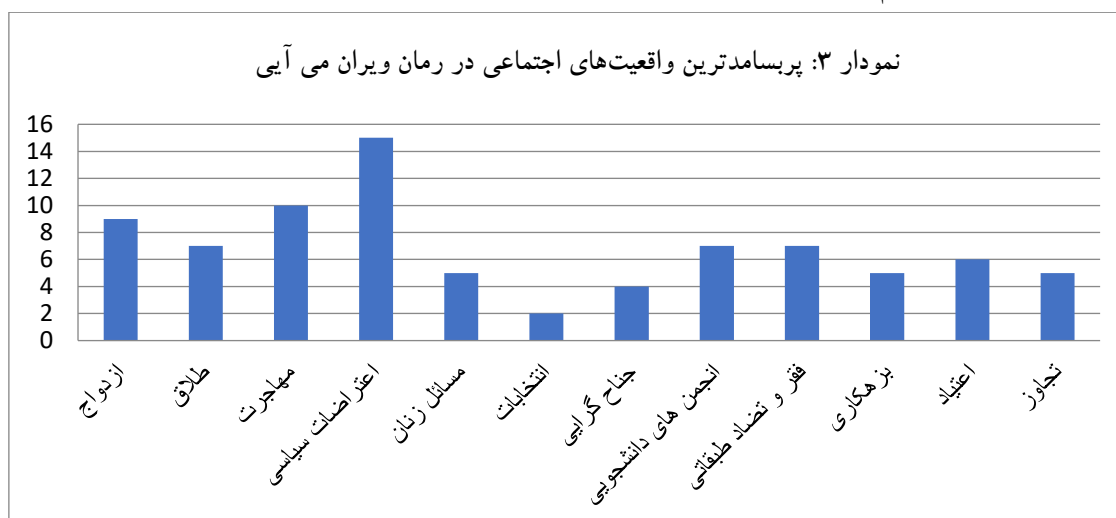
در رمان «استخوان‌های خوک و دست‌های جزامی» پانزده واقعیت اجتماعی بسامد بیشتری داشته است. در این رمان، واقعیت‌های اجتماعی ازدواج، طلاق و مشکلات خانوادگی، استعمال دخانیات و شرب مشروبات الکلی، خودکشی، فضای مجازی، آداب دینی، رسانه‌های ارتباطات جمعی، نظام کوپنی، تضاد طبقاتی، پارتی و بی‌مبالاتی‌های جنسی و بزهکاری و ارتکاب جرم بیش از واقعیت‌های اجتماعی دیگر مورد توجه نویسنده بوده است. بیشترین پدیده‌ای که در رمان مستور به نمایش درآمده، بزهکاری است که شامل کلاه‌برداری و جعل سند، قتل، دزدی و جز آن است و کمترین اشاره‌های وی به پدیده‌هایی نظیر خودکشی، نظام کوپنی و تضاد طبقاتی و فقر است. از سوی دیگر اغلب پدیده‌های بازتاب داده‌شده در این رمان به صورت عینی به کار رفته‌اند و پدیده‌های ذهنی پدیده‌هایی کمرنگ هستند. نویسنده سعی داشته تا واقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای ملموس و قابل درک در رمانش مورد توجه قرار دهد تا برای مخاطب در هر دوره‌ای قابل درک باشد. از نظر چهار گروه واقعیت‌های اجتماعی پیش‌گفته، نمودار زیر نشان می‌دهد که بیشترین توجه نویسنده به ساحت اجتماعی واقعیت‌ها بوده است:



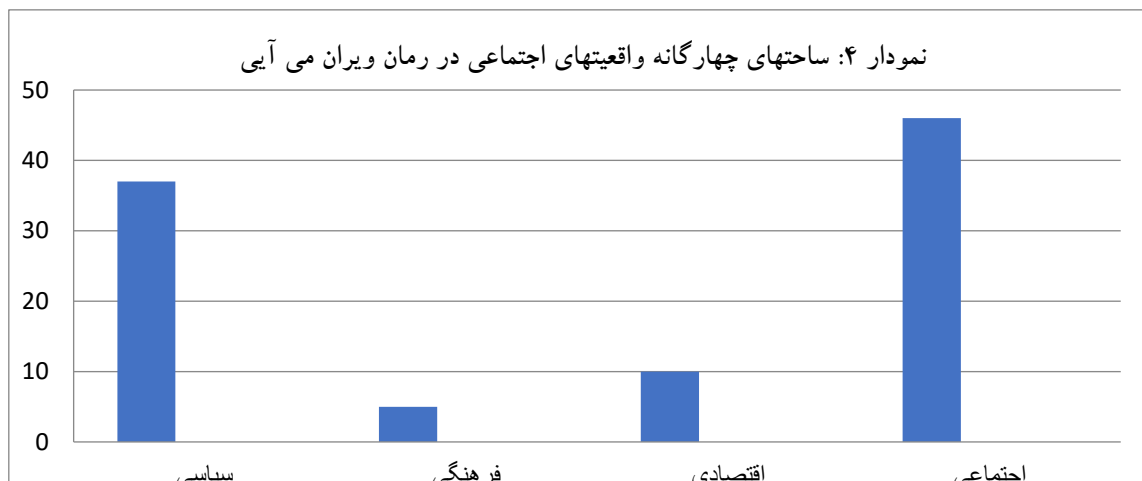
همانگونه که از نمودار بالا آشکار است، نویسنده در این رمان هیچ اشاره‌ای به واقعیت‌های اجتماعی در ساحت سیاسی جامعه نداشته است. همین کم‌توجهی در ساحت‌های اقتصادی و فرهنگی هم به وضوح دیده می‌شود. اما در مقابل، بیشترین توجه خود را معطوف به واقعیت‌های اجتماعی در ساحت اجتماعی نموده است.

۳-۲- ویران می‌آیی

در نمودار زیر مطابق روش پیش گفته مهم‌ترین و پربسامدترین واقعیت‌های اجتماعی را در رمان «ویران می‌آیی» بررسی کرده‌ایم:



در این رمان اعتراضات سیاسی بیشترین بسامد و انتخابات کمترین بسامد را دارد. سناپور در این رمان به واقعیت‌هایی نظیر طلاق و ازدواج، مهاجرت، جناح‌گرایی، انتخابات، انحراف انجمن‌های دانشجویی، اعتیاد، تجاوز، بزهکاری و تضاد طبقاتی اشاره کرده است. در این رمان، اغلب پدیده‌های مورد توجه نویسنده عینی بوده‌اند، اما به طور محدود از واقعیت‌های ذهنی نیز بهره برده است. نکته‌ی جالب توجه این است که بر خلاف نویسنده‌ی مرد دیگر (مصطفی مستور) حسین سناپور توجه زیادی به ساحت سیاسی اجتماع داشته است که در نمودار زیر نشان داده می‌شود:

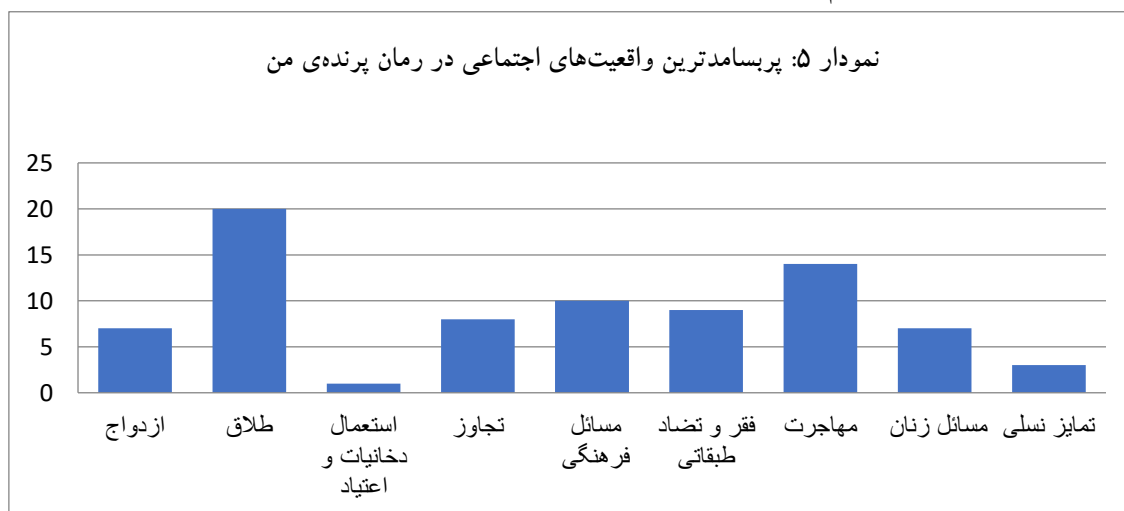


در نمودار فوق روشن است که پس از واقعیت‌های اجتماعی بیشترین توجه نویسنده به واقعیت‌های سیاسی جامعه بوده است. در این میان نکته بسیار مهم این است که در ساحت سیاسی و حتی در مقایسه با واقعیت‌های مطرح شده در ساحت‌های دیگر، اعتراضات سیاسی بیشترین بسامد را داشته است؛ اما در مقابل، کم‌ترین بسامد را در میان واقعیت‌های اجتماعی نیز موضوع انتخابات داشته که باز هم واقعیتی در ساحت سیاسی جامعه است. شاید این امر، نشان‌دهنده‌ی رویکرد نویسنده به راه حل مشکلات سیاسی جامعه باشد که از مسیر اعتراضات می‌گذرد و نه از مسیر انتخابات.

۳-۳- پرنده من

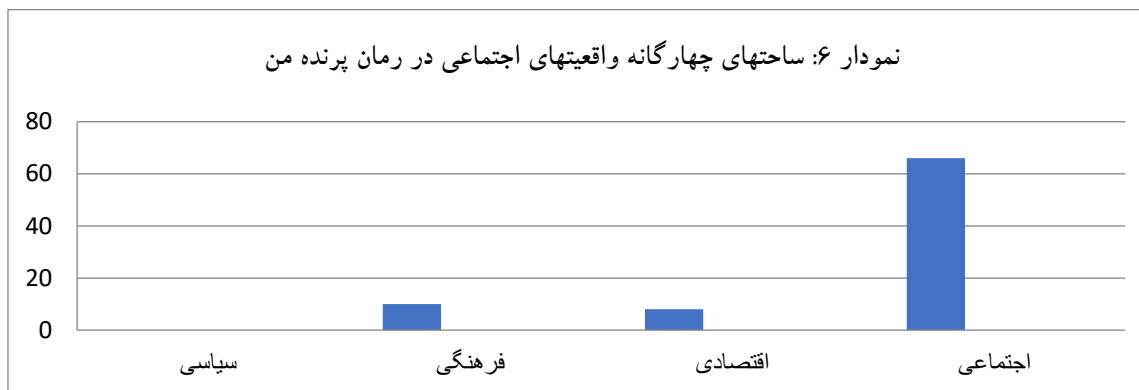
در نمودار زیر مطابق روش پیش‌گفته مهم‌ترین و پربسامدترین واقعیت‌های اجتماعی را در رمان

«پرنده‌ی من» بررسی کرده‌ایم:



در این رمان، نویسنده به ۹ واقعیت اجتماعی بیشترین توجه را داشته است. در این بین طلاق و مشکلات خانوادگی بیشترین بسامد را داشته و پس از آن، نویسنده به مهاجرت توجه بسیاری نشان داده است. در مقابل، اعتیاد و استعمال دخانیات در میان واقعیت‌های اجتماعی پایین‌ترین بسامد را داشته و

نویسنده به صورت بسیار مختصر و گذرا به آن پرداخته است. در این رمان واقعیت‌های اجتماعی تلفیقی از واقعیت‌های عینی و ذهنی است که البته ذهنی بودن این پدیده‌ها بیشتر مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. بر اساس ساحت‌های اجتماعی، بیشترین توجه نویسنده به ساحت اجتماعی بوده است که در نمودار زیر نشان داده می‌شود:

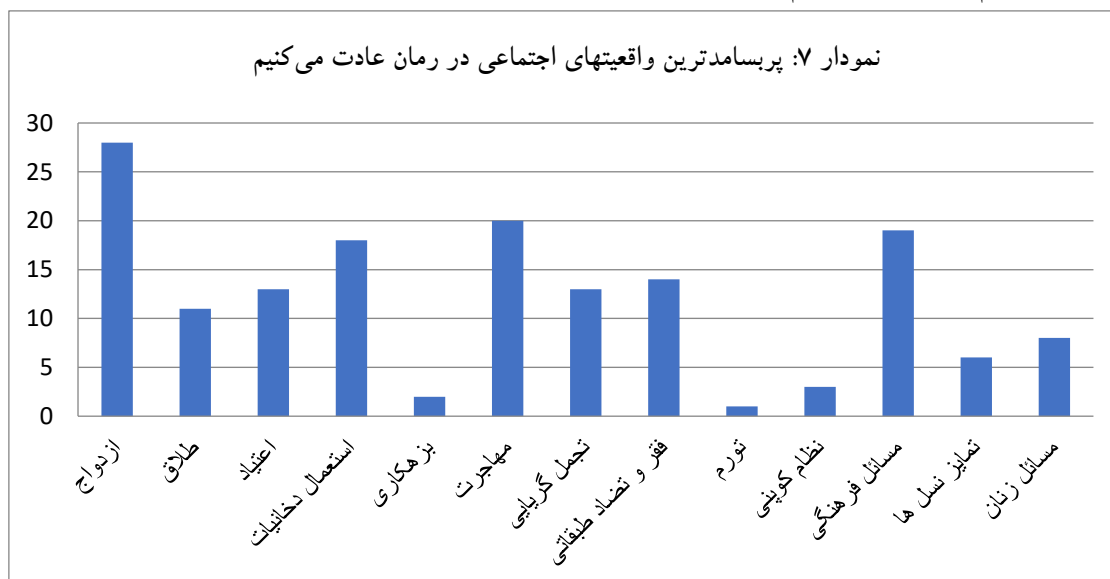


همانگونه که از نمودار بالا به وضوح روشن است، بیشترین توجه نویسنده به ساحت اجتماعی واقعیت‌ها بوده و تقریباً هیچ واقعیتی در ساحت سیاسی مورد توجه او نبوده است. ساحت فرهنگ و اقتصاد هم با نسبت بسیار کم‌تر به نسبت ساحت اجتماعی وجه نظر نویسنده بوده است.

۳-۴- عادت می‌کنیم

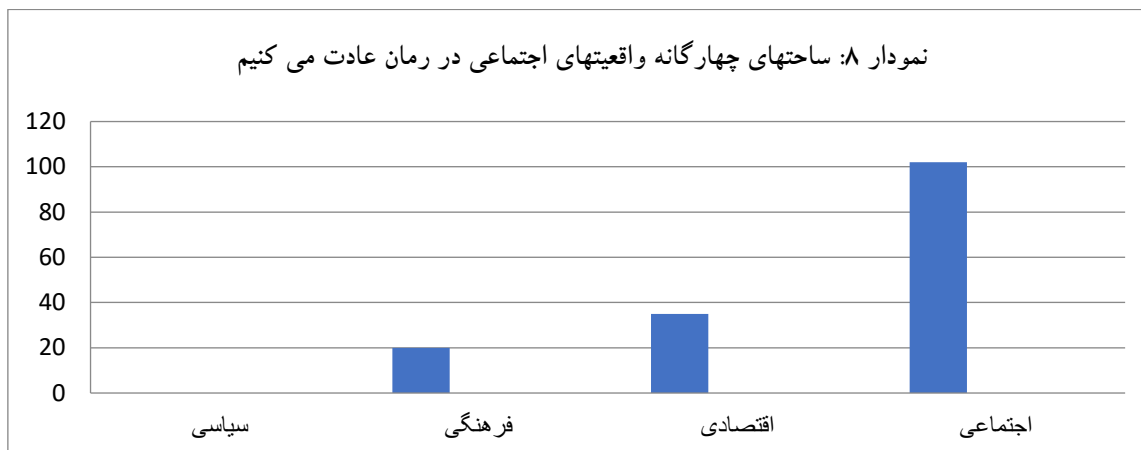
در نمودار زیر مطابق روش پیش‌گفته مهم‌ترین و پربسامدترین واقعیت‌های اجتماعی را در رمان

«عادت می‌کنیم» بررسی کرده‌ایم:



در این رمان، ازدواج و طلاق واقعیت‌هایی هستند که نویسنده بیشترین توجه را در رمانش به آن‌ها داشته است. نکته‌ی جالب توجه گستردگی حوزه‌هایی است که نویسنده به آن توجه داشته و آن‌ها را مطرح نموده است. نکته‌ی دیگر اینکه تمامی واقعیت‌های مورد توجه نویسنده در این رمان عینی است که

از یک سو نشان از توجه نویسنده به مسائل و مشکلات عینی جامعه است و از سوی دیگر واقع‌بینی و واقع‌گرایی او که خود را متعهد به وجهه و صورت بیرونی واقعیت می‌داند. نویسنده در این رمان به ساحت‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی نیز توجه فراوان داشته که در نمودار زیر آشکار است:

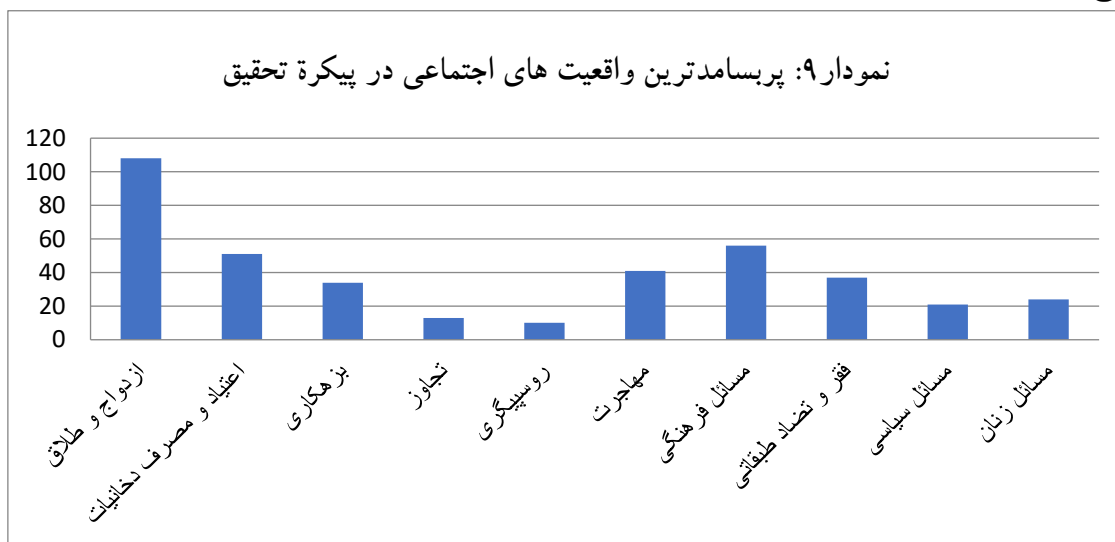


آنچه روشن است توجه بسیار نویسنده به ساحت اجتماعی واقعیت‌ها و سپس ساحت اقتصادی و فرهنگی است. مانند نویسندگان قبلی، به جز سنابور، نویسنده به ساحت سیاسی جامعه هیچ توجهی نداشته و واقعیتی را از این ساحت بازتاب نداده است.

۳-۵- جمع‌بندی

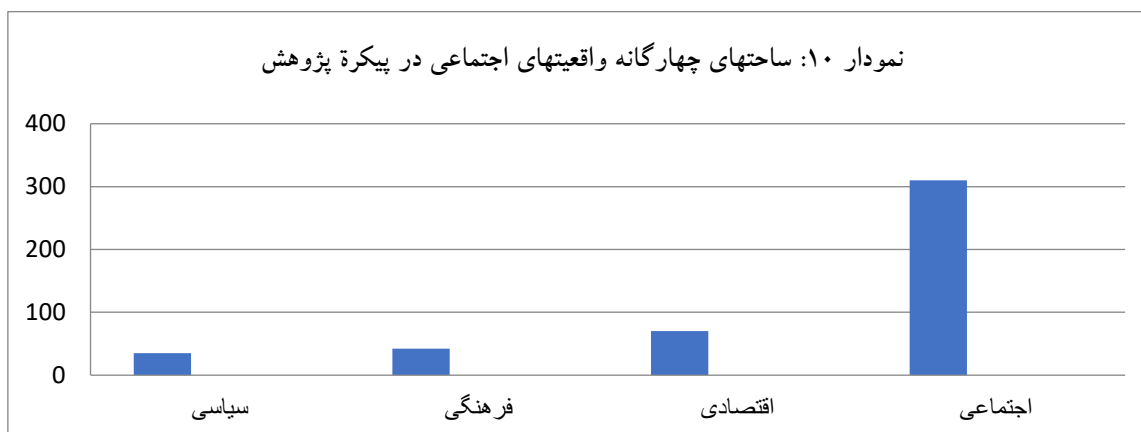
به طور کلی، اهم واقعیت‌های اجتماعی برساخته در رمان‌های مورد نظر این پژوهش از حیث آماری به

شرح زیر است:

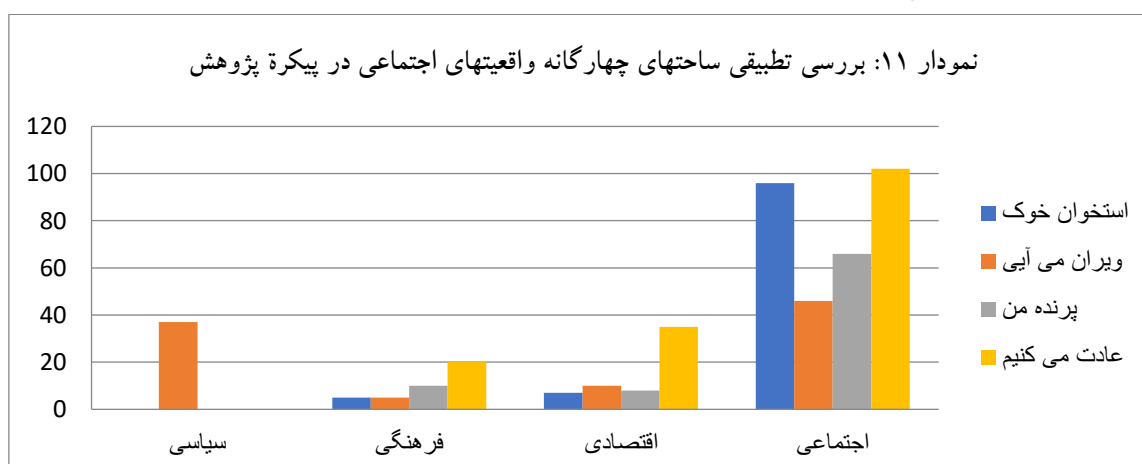


همانطور که از نمودار بالا پیداست، بیشترین توجه نویسندگان پیکره‌ی مورد بررسی به برساخت واقعیت‌ها و شکل‌دهی به روایت‌ها در موضوع ازدواج و طلاق بوده است. سپس روایت‌های برساخته در مسائل فرهنگی که شامل خرافات، آداب دینی، آداب و رسوم، آداب اجتماعی و ... بوده بیشترین نمود را

در رمان‌ها داشته است. مسائل جنسی از قبیل روسپیگری و تجاوز، گرچه مورد توجه نویسندگان بوده، اما در مقایسه با واقعیت‌های دیگر بازتاب کمتری در رمان‌ها داشته است. با توجه به آنچه در نمودار فوق نشان داده می‌شود، میزان توجه نویسندگان به برساخت روایت در ساحت‌های چهارگانه اجتماع به شرح زیر است:



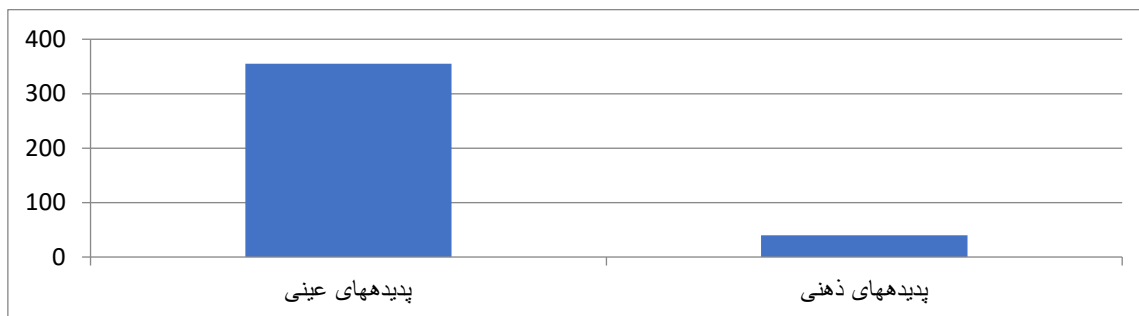
همانطور که آشکار است واقعیت‌های اجتماعی در ساحت اجتماعی با اختلاف بسیار، بیش از ساحت‌های دیگر مورد توجه نویسندگان بوده است. در مرتبه‌ی دوم، ساحت اقتصادی قرار دارد که از نظر بسامد واقعیت‌های برساخته، اندکی بیش از واقعیت‌های فرهنگی دیده می‌شود. در هیچ یک از آثار مورد بررسی، روایتی از ساحت سیاسی برساخته نشده، به جز رمان «ویران می‌آیی» از سنابور. در این اثر به تنهایی تمام واقعیت‌های سیاسی برساخته‌ی پیکره این پژوهش بازتاب یافته است. این امر احتمالاً از یک سو به امتناع ورود به این ساحت بازمی‌گردد و از سوی دیگر به شرایط سیاسی و اجتماعی آن عصر. در نمودار زیر برای روشنی بیشتر موضوع، ساحت‌های چهارگانه‌ای که روایت برساخته‌ی واقعیت‌های اجتماعی در آن‌ها شکل گرفته به صورت تطبیقی نشان داده شده است:



روشن است که ساحت اجتماعی با اختلاف بسیار، ساحتی است که اغلب روایت‌ها از واقعیت اجتماعی در آن صورت‌بندی می‌شود. ساحت سیاسی تنها در یک مورد (ویران می‌آیی) توجه قرار

گرفته و ساحت‌های اقتصادی و فرهنگی نیز با اختلاف اندکی، به جز یک مورد (استخوان خوک) تقریباً به یک میزان مورد توجه نویسندگان بوده است.

از سوی دیگر توجه اغلب نویسندگان به برساخت پدیده‌های عینی بوده است. به طوری که از بین ۳۹۵ واقعیت اجتماعی برساخته تنها ۴۰ واقعیت، ذهنی و مابقی آن عینی بوده‌اند:



این امر نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان به برساخت واقعیت‌هایی است که آشکارا در سطح عینی جامعه قابل مشاهده است، بدون نیاز به تفسیر و تعبیرهای ذهنی از یک سو و اولویت برساخت واقعیت‌های بیرونی و جمعی نسبت به واقعیت‌های ذهنی که بیشتر جنبه‌ی فردی و درونی دارد. این تقابل خود به این سو رهنمون است که در چنین شرایطی، جامعه احتمالاً دچار بحران‌های متعدد جمعی و عینی است که واقعیت‌های برساخته‌ی آن بیش از آن که نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌های ذهنی کنشگران باشد، نشان‌دهنده‌ی واقعیت‌های بیرونی و عینی برساخته است.

۴- نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله بررسی شد، روایت برساخته‌ای بود که از طریق بازتاب واقعیت‌های اجتماعی جامعه‌ی ایران در دهه‌ی هفتاد و نیمه‌ی اول دهه هشتاد شکل گرفته و صورتبندی شده بود. گرچه به نسبت موضوع رمان، واقعیت‌های برساخته در نهایت به روایتی متفاوت منتهی می‌شود، اما از آنجا که تلاش نویسندگان در این رمان‌ها برساخت مهم‌ترین واقعیت‌های اجتماعی در آن دوره بوده است، بسیاری از موضوعات و روایت‌ها اشتراکات بسیاری با هم دارند. در رمان‌های مورد بررسی، واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی از دید نویسندگان پنهان نمانده و در خلال روایت‌ها به موارد متعددی از هریک از موارد فوق اشاره شده است. بیشترین واقعیت‌های برساخته در ساحت اجتماعی رمان بازتاب یافته و از میان موضوعات و مصداق‌های واقعیت اجتماعی به پدیده‌ی شکل‌گیری و فروپاشی خانواده، یعنی ازدواج و طلاق (مشکلات خانوادگی) توجه ویژه‌ای شده است. این امر نشان‌دهنده‌ی شرایط بحرانی این نهاد اجتماعی مهم و در معرض خطر قرار گرفتن آن به واسطه‌ی تحول فرهنگی، مشکلات اقتصادی، تهاجم فرهنگی و عواملی مانند آن است. برخی از ساحت‌های جامعه هم به ندرت با موضوعاتی خاص

مورد توجه قرار گرفته است، بویژه ساحت سیاسی با موضوعاتی نظیر جناح‌گرایی، انحراف سازمان‌های دانشجویی و جز آن.

عامل تأثیرگذار دیگر در برساخت روایت‌هایی خاص از واقعیت‌های اجتماعی، جنسیت نویسنده است. می‌توان گفت جنسیت نویسنده بر محتوا، زبان و بیش از همه پالایش نوع واقعیت‌های اجتماعی و برساخت روایت آن تأثیرگذار است. در واقع تفاوت جنسیت به نوعی تفاوت اندیشه و چگونگی ارائه اندیشه را در پی دارد. به طور مثال، نویسنده‌ی رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» با توجه به جنسیت خود به واقعیت‌های اجتماعی نظیر بزهکاری توجه بیشتری نشان داده و نویسنده‌ی رمان «ویران می‌آیی» نیز روایت‌های برساخته از واقعیت‌های سیاسی را برجسته ساخته است. شاید بتوان گفت جنسیت مذکر این دو نویسنده سبب شده تا بیشتر تمرکزشان بر برساخت روایت در ساحت سیاست و بزهکاری باشد که مردان بیش از زنان با آن درگیرند؛ اما در رمان «پرنده من» و «عادت می‌کنیم» بیشتر تأکید نویسندگان روی برساخت روایت از واقعیت اجتماعی، طلاق و مشکلات خانوادگی است که اغلب یک زن با آن دست و پنجه نرم می‌کند. البته نباید فراموش کرد که این واقعیت در آثار نویسندگان مرد هم بازتاب گسترده‌ای داشته است. افزون بر این، در میان پیکره مورد بررسی رمان «عادت می‌کنیم» از حیث توجه نویسنده به گستره‌ی وسیعی از واقعیت‌های اجتماعی از یک سو و بسامد برساخت روایت از این واقعیت‌ها از سوی دیگر در صدر فهرست قرار می‌گیرد. این گستره که تقریباً همه واقعیت‌های دیگر رمان‌ها (به جز ساحت سیاسی) را در برمی‌گیرد شامل ازدواج و طلاق، اعتیاد، استعمال دخانیات، بزهکاری، تمایز نسل‌ها، مسائل زنان، مهاجرت، تجمل‌گرایی، تضاد طبقاتی، فقر، نظام کوپنی، مشاغل، آداب و رسوم، فضای مجازی، مدگرایی، گردشگری و بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی دیگر را در برمی‌گیرد.

در نهایت می‌توان گفت روایت برساخته از جامعه ایران در رمان‌های فوق، روایتی است که ایران دهه هفتاد و نیمه اول دهه هشتاد را درگیر واقعیت طلاق و دیگر مشکلات خانوادگی، اعم از بزهکاری جوانان، خیانت همسران و مواردی مانند این می‌داند. این امر با توجه به پیامدهای جراحی‌های اقتصادی دوران سازندگی و اصلاحات فرهنگی دوره‌ی بعد به دور از انتظار نیست؛ چرا که هر دوی این عوامل بر بروز مشکلات اجتماعی در نهاد خانواده تأثیر مستقیم دارند. در مرحله‌ی بعد، روایت برساخته‌ی رمان‌ها، ایران را در این دوره درگیر مشکلات اقتصادی به تصویر می‌کشد که بی‌تردید ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی، پیامدهای آن، از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی و عمومی، جراحی‌های متعدد اقتصادی، حرکت به سوی لیبرالیسم و عواملی از این دست است و همانطور که در بالا اشاره شد، واقعیت‌های اقتصادی بر واقعیت‌های دیگر در ساحت‌های دیگر جامعه نیز تأثیرگذار است. بر نگارندگان روشن نیست

که چرا با وجود پشت سر گذاشتن دوره‌ای که در آن واقعیت دولت، مدعی اصلاحات فرهنگی و سیاسی است، نویسندگان به جز یک مورد در ساحت سیاسی به برساخت هیچ روایتی عنایت و اقبال نداشته‌اند. این امر می‌تواند به امتناع ورود به این حوزه، سرخوردگی‌های سیاسی و عواملی دیگر بازمی‌گردد که به نظر می‌رسد به پژوهش مستقلی نیاز داشته باشد.

منابع

- آرون، ریمون، (۱۳۷۷)، «**مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**»، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- آلت، میریام، (۱۳۸۰)، «**رمان به روایت رمان نویسان**»، ترجمه‌ی دکتر علی محمد حق شناس، تهران: انتشارات مرکز.
- افروغ، عماد، (۱۳۷۹)، «**فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی**»، تهران: فرهنگ و دانش.
- افشارکهن، جواد، (۱۳۹۰)، «**جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی**»، تهران: چاپ قدیانی.
- امیراحمدی، هوشنگ؛ نیکپور، فریدون، (۱۳۸۳)، «**رشد جمعیت و توسعه اقتصادی، اجتماعی در ایران**» **ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال پنجم، شماره ۱، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات ملی.
- امیری، ساره، (۱۳۹۶)، «**برساخت معنایی زن روشنفکر خاص در سینمای پس از انقلاب اسلامی**»، **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، زمستان، سال هجدهم، شماره ۷۲، صص. ۹۵-۱۲۲.
- بر، ویوین، (۱۳۹۴)، «**برساخت گرایب اجتماعی**»، ترجمه اشکان صالحی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- بوغوسیان، پل، (۱۳۹۵)، «**هراس از معرفت**»، ترجمه: یاسر میردامادی، چاپ اول، تهران: کرگدن.
- بهرامی کمیل، نظام، (۱۳۸۸)، «**نظریه رسانه‌ها**»، تهران: کویر.
- پیرزاد، زویا، (۱۳۸۳)، «**عادت می‌کنیم**»، تهران: نشر مرکز.
- جیمز، آلیوس، جنکس، کریس، پروت، آلن، (۱۳۹۳)، «**جامعه‌شناسی دوران کودکی**»، ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم آبادی، تهران: ثالث.
- چراغی، شیما، (۱۳۹۵)، «**تحلیل و بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در چهار رمان از زویا پیرزاد و منیرو روانی پور (عادت می‌کنیم، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، اهل غرق، کولی کنار آتش)**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام.

- هرسیج، حسین، حسینی، مطهره، (۱۳۸۸)، «شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، شماره ۳، مهر، ۳۶۱-۳۸۳.
- حقجو، ناصر، (۱۳۸۱)، «رفاه اجتماعی در توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی)»، **فصل‌نامه رفاه اجتماعی**، نشر گروه پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۵-۹۶.
- ریترز، جورج، (۱۳۷۳)، «**نظریه‌های جامعه‌شناسی**»، ترجمه احمدرضا غروی‌زاد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- زرافا، میشل، (۱۳۶۸)، «**جامعه‌شناسی ادبیات**»، ترجمه نسرین پروینی، تهران: انتشارات سخن.
- سعیدی‌نیا، ناصر، (۱۳۸۲)، «روش‌های بازپروری معتادین در زندان‌ها»، **ماهنامه اصلاح و تربیت**، ناشر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سال اول، شماره ۱۳-۱۴، صص ۴۱-۴۵.
- سنایور، حسین، (۱۳۸۳)، «**ویران می‌آیی**»، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه.
- سیدحسینی، رضا، (۱۳۸۴)، «**مکتب‌های ادبی**»، تهران: انتشارات نگاه.
- شگری، فدوی، (۱۳۸۶)، «**واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر**»، تهران: انتشارات نگاه.
- شیخه، رضا، صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمد جعفر، مرعشی، منصور، (۱۳۹۹)، «بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساختگرایی اجتماعی»، **نشریه روش‌شناسی علوم انسانی**، تابستان، شماره ۱۰۳، صص ۴۰-۵۵.
- صفایی، صفی‌اله، طیبی‌نیا، موسی، عرفانی، نصراله، (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل جامعه‌شناسی مرتبط با خرافات»، **مطالعات امنیت اجتماعی**، بهار، شماره ۲۱، صص ۱۸۲-۱۵۵.
- طاهری، کبری، (۱۳۹۷)، «**مقایسه شخصیت‌پردازی در رمان جزیره سرگردانی سیمین دانشور و پرنده من فریبا وفی**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- عثمانی، مکیه، (۱۳۹۱)، «**بررسی جامعه‌شناسی سیاسی - اجتماعی رمان سال‌های ابری**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- فتوحی رودمعجنی، محمود، (۱۳۹۲)، «**سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**»، تهران: سخن.
- گرگن، کنت، جی.، گرگن، ماری، (۱۳۹۴)، «**ساخت اجتماعی: دعوت به گفت و شنود**»، ترجمه فاطمه جاودان، چاپ اول، تهران: نشر علوم و فنون.
- گل‌بازخانی‌پور، مینا، (۱۳۹۱)، «**نقد جامعه‌شناختی آثار مصطفی مستور کتاب‌های (استخوان خوک و دست‌های جذامی، روی ماه خداوند را ببوس، حکایت عشقی بی**

- قاف بی شین بی نقطه، تهران در بعد از ظهر»،** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ، دانشگاه الزهرا.
- گلدمن، آوین، (۱۳۹۵)، «**معرفت شناسی اجتماعی**»، ترجمه مهدی رعنائی، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- لرنی، منوچهر، (۱۳۸۳)، «**آسیب شناسی امنیت**»، تهران: پیام پویا.
- لوته، یاکوب، (۱۳۸۸)، «**مقدمه بر روایت در ادبیات و سینما**»، ترجمه امید نیک‌فرجام، تهران: مینوی خرد.
- لوزیک، دانیلین، (۱۳۸۸)، «**نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**»، ترجمه معیدفر، سعید، تهران: امیرکبیر.
- مستور، مصطفی، (۱۳۸۳)، «**استخوان خوک و دست‌ها جذامی**». چاپ سی و ششم، تهران: نشر چشمه.
- مصلحتی، حسین، (۱۳۸۳)، «**ازدواج و ازدواج درمانی**»، چاپ دوم، تهران: نشر البرز.
- مظفری، افسانه، نیکروح متین، فرزانه، (۱۳۸۸)، «**تحلیل محتوای فیلم دوزن به کارگردانی تهمینه میلانی با رویکرد به زن**»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۹۸.
- موسوی چلک، سید حسن، سلطانی، فاطمه، (۱۳۸۴)، «**مجموعه تحلیل‌های آماری مسائل اجتماعی ایران: ازدواج و طلاق**»، تهران: نشر شلاک.
- میری آشتیانی، الهام، (۱۳۸۲)، «**مقدمه‌ای بر آسیب شناسی مسائل اجتماعی در ایران**»، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- میر صادقی، میمنت، (۱۳۸۳)، «**رمان‌های معاصر فارسی**»، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- میرفخرایی، تژا، صامتی، مرضیه، (۱۳۹۵)، «**مطالعه نشانه‌شناختی تصویر کودکی در سینمای کودک و نوجوان ایران؛ مطالعه موردی: مفهوم کودکی در فیلم کودک و فرشته**»، **جامعه، فرهنگ و رسانه**، شماره ۱۸، بهار، صص ۲۲-۴۰.
- نبی زاده موحد خامنه، سیما، (۱۳۸۰)، «**بررسی تاثیر حکومت در مشارکت‌های سیاسی دانشجویان در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- وفی، فریبا، (۱۳۸۱)، «**پرنده‌ی من**»، تهران: نشر مرکز.
- ولک، رنه، (۱۳۷۷)، «**تاریخ نقد جدید**»، تهران: نیلوفر.

- هال، استوارت، (۱۳۸۷)، «گزیده‌هایی از عمل بازنمایی»، ترجمه احسان شاقاسمی، زیر نظر سعیدرضا -
عاملی، **نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی**، جلد سوم،
تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- هیکس، استیون، آر. سی.، (۱۳۹۴)، «تبیین پست مدرنیسم: شک گرایي و سوسیالیسم از
روسو تا فوکو»، ترجمه حسین پورسفیر، چاپ اول، تهران: ققنوس.

The Constructed Narration of Iranian Society in the Discourse of the Novels of the First Half of the 1380s

Hamed Nowrouzi¹ 

Kolsoom Qorbani Jouibari² 

Afsaneh Yaqubi Gazik³ 

DOI: 10.22080/RJLS.2023.26218.1440

Abstract

Since the constitutional era, authors of realist novels have attempted to weave social realities into the structure of their novels. In this article, we examine the narratives of four realist authors to focus on the social realities of the 1370s and 1380s, two of the most important political periods in Iran. As such, we examine social realities and factors affecting the formation of the narratives in these decades. To this purpose, we have used the theoretical foundations of two fields of thought: first, the epistemological approach to social reality in the constructivist school, and second, the sociological approach to reality and its division into objective and mental realities. Findings suggest that social realities in the social field have attracted the attention of the authors more than other fields. In the second place is the economic sphere, which is dealt with a little more than cultural realities in terms of the frequency of constructed realities. In none of the examined works is there a narrative of the political sphere, except for the novel "ویران می‌آیی" by Sanapur. On the other hand, most of the authors have focused on the creation of objective phenomena, which is why only 40 out of 395 constructed social facts are subjective.

Keywords: Realist novel, Narrative, Constructivism, Social reality.

Extended Abstract

Introduction

The writing of social realist novels in Iran started from the constitutional era after Iranian writers became familiar with Western works. Ever since then, realist authors have attempted to weave social realities into the structure of their novels. In this article, we examine the narratives of four realist writers to focus on the social realities of the 1370s and 1380s, two of the most important political, social and cultural periods of the contemporary era. In these periods, which are known as the periods of construction (70s) and reforms (80s), the process of economic, political and cultural changes is very intense. As a result, new social problems and dilemmas are also occurring in Iranian society.

¹ Associate Professor of Persian language and literature, University of Birjand, Corresponding author: hd_noruzi@yahoo.com

² Associate professor of Persian language and literature, University of Birjand.

³ M.A. in Persian language and literature, university of Birjand

Research Questions and Methodology

The research data will be extracted and analyzed from four social realist novels that were published in the first half of the 80's: عادت می‌کنیم (Pirzad, 2013), استخوان خوک و دست‌های جذامی (Vafi, 2011), پرنده من (Mastour, 2013) and ویران می‌آیی (Sanapur, 2015). In this article, central questions are designed around social realities and factors influencing their creation in the novel and finally the formation of the narratives created by Iranian society in this decade. To answer the research questions, we have used the theoretical foundations of two fields of thought: first, the epistemological approach to social reality in the constructivist school, and second, the sociological approach to reality and its division into objective and subjective realities.

Conclusion and Findings

Findings suggest that authors have focused on the construction of the narrative in the four spheres of society as follows: there has been great emphasis on depicting social realities in the social sphere more than in other spheres. In the second place is the economic sphere, which is dealt with a little more than cultural realities in terms of the frequency of constructed realities. In none of the examined works is there a narrative of the political sphere, except for the novel ویران می‌آیی by Sanapur. In this work alone, all the political realities discussed in this research have been reflected. In the social field, authors have paid the most attention to the construction of facts and the shaping of narratives regarding the issues of marriage and divorce. Following these, narratives depicting cultural issues, including superstitions, religious customs, and popular customs, etc., were most prominent in novels. Although sexual issues such as prostitution and rape have been of interest to writers, they have not been much discussed in these novels, compared to other realities. On the other hand, most of the authors has focused on the creation of objective phenomena. Therefore, only 40 out of 395 constructed social facts are subjective. These results point toward the fact that these authors paid much attention to the creation of realities that are clearly visible on the objective level of society, without the need for subjective interpretations. In other words, they prioritized the creation of external and collective realities over the subjective in a society which was probably suffering from multiple collective and objective crises which reflect the realities of the activists rather than their subjective concerns.

References

Andrew, Dudley, (1984). "Concepts in Film Theory", New York: Oxford University Press.

- Ben-Shaun, Nitzan, (2007), "Film: The Key Concepts", London: Berg Publisher.
- Branston, Gill, Stafford, Roy (2003), "The Media Student's Book", London: Routledge.
- Gergen, Kenneth, (1987), "Introduction: the language of psychological understanding", Washington- Dc: Hemisphere.
- Huisman, R., (2005), "Narrative concepts, Narrative and Media", Cambridge: Cambridge University Press.
- Livingston, Paisley, (2005), "The Routledge Companion to Aesthetics", London and New York: Taylor & Francis Group.
- Porter, Abott, (2002), "A Cambridge Introduction to Narrative", Cambridge: Cambridge University Press
- Prince, Gerald, (1982), "Narrative Analysis and Narratology", New Literary History, Vol, 13.
- Walsh, R., (2001) "Fabula and Fictionality in Narrative Theory", Pennsylvania: Penn State University Press.